

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز

۱۱ دسمبر ۲۰۱۱

"بن دوم" یا عملیات بردگی متداوم

غلامان افغانی تحت رهبری حامد کرزی برای پای بوسی امپریالیسم و التجاء برای بقای خویش به المان آمدند تا در کنفرانس "بن دوم" که به تاریخ ۵ دسمبر به راه انداخته شد، اشتراک نمایند. سرگذشت کنفرانس "بن دوم" از آغاز تا انتها آنقدر مضحک بود که حتا افراد عادی هم توانستند به بیهودگی آن پی ببرند. صحبت ها یکنواخت و خسته کننده بود و بعضی اشتراک کنندگان مانند هلری کلنتن از فرط بی مضمونی غمزه می رفت. حامد کرزی رهبر غلامان افغانی نزد امریکا و پایدو های این کشور در سطح جهانی التماس می کرد که او و نظامش را بعد از ۲۰۱۴ زیر بال خود بگیرند و از قهر خدا و مردم افغان نجاتش دهند. استدعایش نزد متجاوزان عجالتاً پذیرفته شد مگر اینکه دست از پاچه خطا کند و خود را زیر تیغ امپریالیسم اندازد.

ده سال از تجاوز امریکا و نصب نظام مزدور فعلی می گذرد. به تاریخ ۵ دسمبر سال ۲۰۰۱، اجتماع متجاوزان و بردگان افغانی در بن شالوده نظام ضد ملی فعلی را پی ریزی کرد و خوکان جدیدی را روی صحنه سیاسی افغانستان آورد. کشور عملاً مستعمره امریکا گردید. در ظاهر امر دیگران هم درین وحشی گری سهیم شدند تا تجاوز امریکا عادی معلوم شود و مستعمره بودن افغانستان آشکار نگردد. این حالت برای شرافت باخترگان افغانی و خاک فروشان مسلکی بسیار دلپسند است، خاصتاً آنهایی که سوال می کنند که "اگر امریکا نباشه، خی چطو میشه... یا اینکه اگر امریکا نباشد ما را ایران و پاکستان قرت می کنند... یا اینکه "خی پیشنهاد شما چیست". این انسان ها فاقد بینش، درایت ملی بوده پذیرای استعمار اند. برای یک تعداد دیگر این قبیل انسان های کودن و لوده که یک عمری را در حماقت جبلی سپری کرده اند، چیزی به نام منطق وجود ندارد. همین ها اند که مگس هر دوغ شده و به دول هر یک می رقصند و خدمتگار هر متجاوز اند.

حال چاکران استعمار به ستایش "بن دوم" آغاز کرده اند. از امریکا تا کابل مطبوعات استعماری و مستعمراتی و افراد معینی مبلغ روحیه قطعنامه استعماری "بن دوم" گشته و تداوم در بند شدن افغانستان را جانانه تبلیغ می نمایند زیرا به این عقیده اند که شاید "بن دوم" بتواند بقای نظام ضد ملی کابل را برای مدتی تضمین نماید و خائنان را از قهر ملت محافظه کند. اخبار ۸ صبح اسپینتا و شرکاء طبل بردگی را می نوازند و اجتماع بن را "هموار سازی

راه برای آینده افغانستان" می‌داند. سفارت دولت مستعمراتی کابل در واشنگتن با تأیید تجاوز ده سال قبل امریکا و ناتو، در اخبار واشنگتن تایمز مؤرخه ۸ دسمبر اجتماع "بن دوم" را برای بقای افغانستان مهم خواند. زعامت مستعمراتی در کابل هم از شوق در حال مستی و باده‌گساری است. گروه شورای نظر که به عکس "بن اول" حضور کم‌رنگی در "بن دوم" داشت، از نبود رهبران خاین خود مانند قانونی و عبدالله شکوه نمود که چرا اینها اینبار مورد توجه استعمار جهانی نیستند. زلمی رسول وزیر خارجه بی شخصیت دولت مستعمراتی کابل و پایبوس شورای نظر در صف سایر وزرای خارجه فخر می‌فروخت که گویا او انسان با شخصیتی بوده و وزیر خارجه یک کشور مستقل است.

کنفرانس "بن دوم" اعلامیه ۳۳ ماده‌ئی را تصویب نمود که بر مبنای آن افغانستان حداقل برای ده سال دیگر بعد از ۲۰۱۴ در زنجیر غلامی استعمار جهانی باقی خواهد ماند و جزء حیطه اشغال گران و پیمان تجاوز کار ناتو قرار خواهد گرفت. افغانستان می‌تواند بهترین تخته خیز امپریالیسم برای یورش‌های بعدی علیه ایران، پاکستان، کشور های آسیای مرکزی و زیر نظر داشتن چین و روسیه به شمار آید. در واقعیت، این امپریالیسم است که از کنفرانس "بن دوم" بیشترین استفاده را نموده است. یک افغانستان مستعمره صلاحیت چانه زدن و حتا اظهار نظر را در همچو موارد ندارد. خواه کابل می‌خواست یا خیر، استعمار جهانی کنفرانس "بن دوم" را به راه می‌انداخت. روی ملحوظات دیپلماتیکی، اجتماع "بن دوم" را "تعهد دو جانبه" میان افغانستان و جامعه بین‌المللی و از "دوره انتقال به دهه تحول" قلمداد نمودند. هم میهنان ما توجه فرمایند که برای در بند کشیدن ملت‌ها چطور استعمار کلمات زیبا و فریبنده را به کار می‌برد و عده‌ای از اجیران دوره گرد را به نفع استعمار دستور تبلیغ می‌دهد.

مواد ۵، ۹ و ۱۳ اعلامیه "بن دوم" افغانستان را در زنجیر غلامی استعمار بسته کرد که رهائی از آن صرف وظیفه نیرو های ملی و انقلابی اصیل است. ماده ۵ متذکر می‌شود که "جامعه بین‌المللی و افغانستان با جدیت خود را وقف تعمیق و توسعه همکاری تاریخی از دوره انتقال به دهه تحول بین سال‌های ۲۰۲۴ - ۲۰۱۵ کردند. با تائید مجدد بر تعهدات ما طوریکه در اعلامیه لندن و طرز العمل کابل تذکار رفته، این تجدید همکاری بین افغانستان و جامعه بین‌المللی مستلزم تعهدات دوجانبه راسخ در ساحات حکومتداری، امنیت، انکشاف اقتصادی و اجتماعی و همکاری های منطقه‌ای است." درین جا مشاهده می‌کنیم که جامعه بین‌المللی با نا اطمینانی در معامله با افغانستان صحبت می‌نماید، بدین معنی که کمک جامعه جهانی یک جانبه و بدون قید و شرط نبوده بلکه مشروط به "روش سالم" و سرسپردگی کامل نظام مستعمراتی کابل دارد. خنده آور این که ماده ۹ بیان می‌کند که "جامعه بین‌المللی حکومت افغانستان را قادر می‌سازد که صلاحیت مستقل خود را در تمام ساحات بکار ببرد."

خوب هم میهنان! یک کشوری که فاقد حاکمیت ملی و استقلال داخلی و خارجی باشد، چطور ممکن است که در حالت اشغال از خود ابراز صلاحیت نماید. صرف بازی با کلمات مشکل افغانستان را حل نمی‌کند. تضاد بزرگ در افغانستان امروز موجودیت قوای اشغالگر است که نیرو های مبارز باید اول در صدد اخراج آنها باشند. بعد از حصول آزادی و تحصیل استقلال، نیرو های ملی و انقلابی تضاد های دیگری را از سر راه بر خواهند داشت و زمینه را برای پیشرفت همگانی میسر خواهند ساخت.

در مبحث حکومت داری تذکار رفته است که افغانستان با قاطعیت اظهار می‌کند که "نظام سیاسی آینده اش ادامه بازتاب یک جامعه "کثرت‌گرا" خواهد بود که بر مبنای قانون اساسی افغانستان استوار میباشد. مردم افغانستان به ساختار یک جامعه باثبات، دموکراتیک بر مبنای حاکمیت قانون که در آن حقوق بشر و آزادی های اساسی رعایا به شمول برابری مرد و زن که در قانون اساسی تضمین گردیده، ادامه خواهند داد." کنفرانس استعماری بن

اول در دسامبر ۲۰۰۱، نظام فعلی به اصطلاح **"کثرت گرا"** را بر مردم افغانستان تحمیل نمود و متوقع بود افغانستان گام های سریع پیشرفت را در تمام ساحات ببیماید. ما در این جا تناقض ها را در روش و گفتار اشغال گران می بینیم. هر نظامی که با قوت تجاوز گران در یک جامعه روی صحنه می آید، منطقاً نمی تواند کثرت گرا باشد. کثرت گرایی زمانی می تواند معنی یافته و مشروعیت یابد که همان کشور از هر گونه تسلط اجنبی مبرا گردد. اشغال یک کشور و نصب یک نظام دست نشاندۀ بدون کمترین تردید کثرت گرایی واقعی را در همان کشور اشغال شده نفی می کند، زیرا اشغالگران افرادی را در قدرت می رسانند که مزدوران شان اند و مزدوران نمی توانند نمایندگان ملت خویش باشند برای این که مزدوران اجنبیان اند. مهمتر از همه اشغال گران به قاتلان ملت افغان، دزدان، قاچاقبران مواد مخدره و گروه های ضد ارزش های ملی دست بالا در نظام "کثرت گرا" مخلوق خود دادند که همه این افراد و گروه ها زن ستیز و دشمنان حقوق بشر اند. پس چطور ممکن است در همچو یک نظام ضد ارزش های انسانی، حقوق بشر و یا حقوق زن مورد احترام قرار گیرد؟ کنفرانس "بن دوم" فقط و فقط برای فریب مردم جهان و مردم افغانستان جملاتی را در اعلامیه گنجانیده که بتواند شک و تردید مردم را نسبت به نیات استعماری اشغالگران کاهش دهد و یا مزورانه رفع نماید و برای استعمار و حامیان بی هویتش چهره انسانی دهد. کسانی که فاقد شعور بشری و شرافت انسانی اند مؤید این اعلامیه مضحک خواهند بود.

جامعه بین المللی خوب آگاه است که نظام زاده "بن اول" یکی از فاسد ترین نظام ها در جهان است. سازمان های مختلف بین المللی بار ها از فساد در دستگاه اداری، قضائی و تقنینی افغانستان پرده بر داشته و این کشور را در صدر بی کفایت ترین دولت ها در جهان به شمار برده اند. با استشعار از این حالت گنبدیده، اشتراک کنندگان در کنفرانس "بن دوم" عمداً طوری جمله بندی را در اعلامیه خود ترتیب داده اند که گویا افغانستان دارای یک نظام واقعاً مردمی بوده و صاحبان قدرت هم از شریف ترین "انسان ها" اند.

عدم اشتراک پاکستان در کنفرانس "بن دوم"، این کشور را از پابندی به مواد اعلامیه استعماری "بن دوم" بی نیاز ساخته است. پاکستان یکی از کشور های مسؤول در تداوم بحران افغانستان است و یکجا با ایران ناآرامی های فراوانی را به وسیله جواسیس خود در افغانستان خلق کرده است. نبود این کشور در کنفرانس استعماری بن باعث خواهد شد که پاکستان خود را مقید به مواد مصوبه "اعلامیه بن" ندانسته و کماکان به مداخلات و تجاوزات خود در افغانستان ادامه دهد. میدان تاخت و تاز برای ایران در کنفرانس "بن دوم" هموار بود. هیأت نمایندگی ایران به منظور حفظ و توسعه نفوذ ایران، ایجاد و بقای مراکز نظامی امریکا در افغانستان را برای صلح و آرامش منطقه مضر و خطرناک دانست. ایران خوب می داند که در صورت تشدید بحران و یا جنگ گرم، امریکا از خاک افغانستان هم حملات خود را علیه ایران آغاز خواهد کرد ولو که زعامت مستعمراتی کابل بار ها به ایران اطمینان داده است که از خاک این کشور علیه ایران اقدامی صورت نخواهد گرفت. امریکا اصلاً به اجازه دولت مستعمراتی کابل ضرورت ندارد، زیرا افغانستان خود در اشغال امریکا و ناتو است و قدرت های اشغالگر کمترین وقع به تأیید و یا اعتراض کشور ها مستعمره قایل نیستند. لذا با موجودیت و تداوم مراکز نظامی امریکا در افغانستان، ایران هم مکلف به مراعات روحیه مواد اعلامیه "بن دوم" نخواهد شد و به بهانه به مخاطره افتادن امنیت ایران مانند گذشته در امور افغانستان به مداخلات خود ادامه خواهد داد.

ماده ۱۶ "اعلامیه بن" بر راه حل سیاسی برای رسیدن به صلح و امنیت در افغانستان تأکید می ورزد. اما اعلامیه متذکر نشده که صلح با کی؟ اگر مقصود طالبان و حزب اسلامی و یا شاخه حقانی باشد، هر سه این گروه کنفرانس "بن دوم" را تحریم کردند و پیش شرط گذاشتند که خروج قوای خارجی از افغانستان می تواند انگیزه ای برای

اشتراک آنها گردد. معلوم نیست که آیا این گروه ها خود تصمیم در نیامدن به بن گرفته اند یا این که دستور از جایی دیگری بوده است. حزب اسلامی اعلام کرد که اشتراک کنندگان افغانی نمایندگان مردم افغانستان نیستند. پس اگر مخالفان دولت مستعمراتی کابل همین گروه ها اند که در بالا از آن ها نام برده شد، چطور ممکن است جامعه جهانی و دولت مستعمراتی کابل با عدم موجودیت شان در بن، آنها را مجبور به اطاعت و پابندی از اعلامیه "بن دوم" نماید.

کنفرانس "بن دوم" مانند "بن اول" صرف برای رنگ آمیزی دولت مستعمراتی کابل و تداوم استعمار و اشغال کشور به راه افتاد. رفاه مردم افغانستان و استقلال کشور در این کنفرانس اصلاً مطرح نبود. حامد کرزی کوشید تا در بند کشیدن افغانستان، حاکمیت فامیلی و گروه دزد و قاچاقبر افغانستان را تحکیم بخشد. جامعه جهانی علاقه مندی به آسایش مردم افغانستان ندارد. برای امپریالیسم یک نظام مزدور و ضد ملی در کابل می تواند بهترین تضمین برای تداوم استعمار باشد.